اسلوب های استفهام و اغراض آن

در قرآن

استاد راهنما:

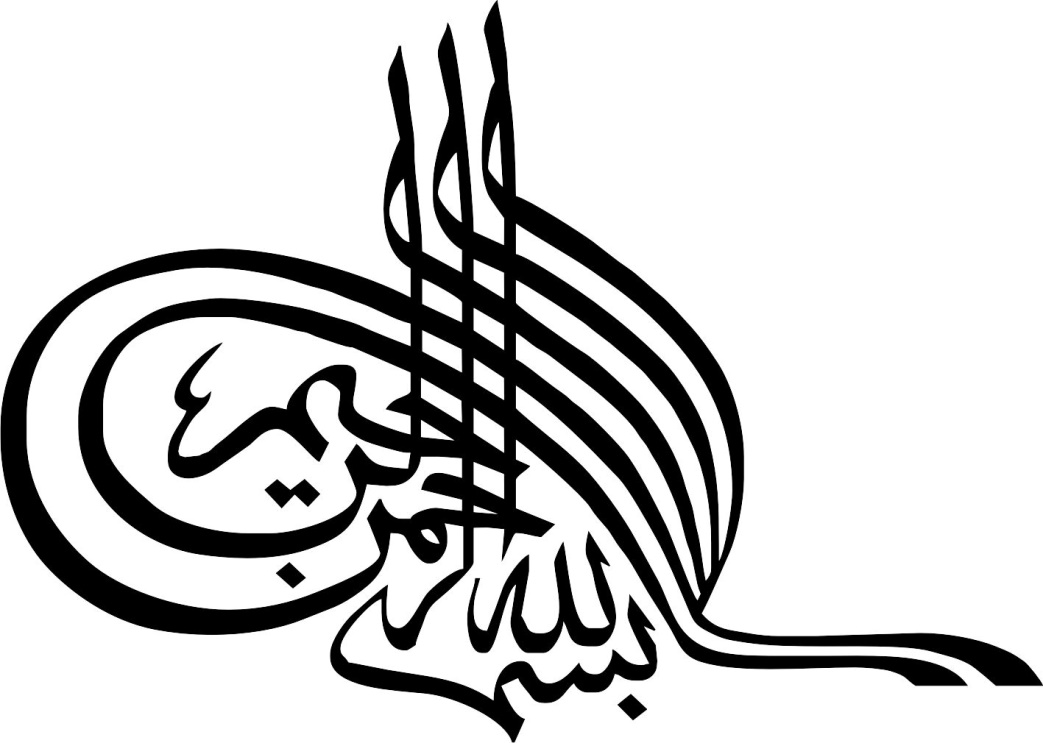
حجت الاسلام و المسلمین قانعی نیا(زید عزه)

طلبه:

محمد حسین تقوی

مدرسه علمیه علوی

1398

****

**اهداء**

این بضاعت مزجاۀ را به محضر معظم سرور کائنات احمد مجتبی، محمد مصطفی(صلی الله علیه و آله وسلم)، به خورشید ولایت و امامت امام الموحدین امام علی(علیه السلام)، به بانوی بزرگ اسلام سیده نساء عالمین، صدیقه کبری حضرت فاطمه(سلام الله علیها) و یازده فرزند گرامی ایشان که وجود عالم به برکت آنهاست ومخصوصاً منجی عالم بشریت، امید مظلومان و مستضعفان، صاحب العصر و الزمان، امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تقدیم واهداء می کنم و امیدوارم مورد رضای خداوند و عنایت این ذوات مقدسه واقع شود.

رَبَّنَا تَقَبَّل مِنّا إنَّکَ أنتَ السَّمِیعُ العَلِیمُ

**تشکر و سپاس**

سپاس وستایش ازآنِ خدا است که خالق و مدبر جهان است.

سپاس خدایی را که ما را بواسطه پیامبر اعظم(صلی الله علیه و آله و سلم) از ورطه شرک و ضلالت نجات داد، وشکر خداي باری تعالی که ما را از متمسّکین به ولایت امیر المومنین علی بن ابی طالب(علیه السلام) ویازده فرزند وی ائمه معصومین(علیهم السلام) قرار داد.

از مدیر محترم مدرسه علوی استاد اقبالی و معاونین شان خصوصاً استاد عابدینی و از اساتید معظم به خصوص استاد راهنما حجة الاسلام والمسلین آقای قانعی نیا(حفظه الله) و والدین عزیزم که همواره مرا یاری نمودند تشکر میکنم.

**چکیده:**

قرآن کریم سرچشمه تمام معارف اسلامی و معجزه جاوید پیامبر اکرم(ص) از جانب خدا، در برگیرنده فصاحت و بلاغت در حد عالی است. با توجه به اهمیت موضوع استفهام و گستردگی آن در قرآن مجید و توجه به تأثیر آن در فهم صحیح قرآن و جلوگیری از انحرافات تفسیری، تحقیق حاضر در این موضوع صورت گرفته است. در این راستا، انواع استفهام و معانی مجازی آن، ویژگی و احکام بلاغت، کاربرد و گونه­های استفهام قرآن مورد بررسی قرار گرفته است. کاربرد استفهام در معنای حقیقی اندک است و بیشتر در معانی مجازی مانند انکار، تقریر، تعجب، توبیخ، نفی، تعظیم، تهکم، استبعاد و.... استعمال شده است. استفاده از اسلوب استفهام، به منظور طلب آگاهی و کسب خبر از چیزی که قبلا معلوم نبوده و به سخن درآوردن مخاطب به دلیل اغراضی که سائل آگاه مد نظر دارد با اداتی روان وساده مانند همزه، هل، کیف، کم، متی، من، ما، ایّ، این، ایّان در قرآن مطرح شده است. از شیوه­های رایج استفهام­های قرآنی این است که خداوند گفتمانی را در قالب پرسش و پاسخ بین افراد و گروه­های مختلف نظیر خدا و پیامبران، پیامبران و مردم، ملائکه و خداوند، ابلیس وخداوند، بهشتیان و جهنمیان و بالعکس و... به تصویر می کشد و با نشان دادن فرجام عملکرد آنان شخصیت واقعی آنان را به مخاطب می نمایاند. این روش علاوه بر اینکه به کلام خدا زیبایی خاصی می بخشد، تأثیری شگرف بر روح و جان انسان می گذارد، عواطف و احساسات او را بر می انگیزد، حس کنجکاوی او را قانع می کند و او را به فهم عمیق­تر مسائل می­رساند. این خود یکی از زیباترین هنرهای بلاغی و روش عالی تربیتی قرآن کریم در هدایت بشر به کمال محسوب می شود.

امید است با استفاده از درج مطلب ارائه شده در باب استفهام که مبتنی بر کتابهای علوم قرآنی، ادبیات عرب، بلاغت و تفاسیر مختلف می باشد و با کاربردی کردن این تحقیق بستر مناسب را برای فهم صحیح قرآن ایجاد نموده و هنر قرآن را در به کارگیری اسلوب بلاغی بیشتر از گذشته آشکار نماییم.

فهرست مطالب

[مقدمه 1](#_Toc35276418)

[فصل اول: کلیات و مفاهیم 2](#_Toc35276419)

[تقسیم کلام: 2](#_Toc35276420)

[خبر: 2](#_Toc35276421)

[انشاء: 3](#_Toc35276422)

[اقسام انشاء: 4](#_Toc35276423)

[انشاء غیر طلبی: 4](#_Toc35276424)

[إنشاء طلبی: 4](#_Toc35276425)

[أمر: 5](#_Toc35276426)

[معنای حقیقی أمر: 5](#_Toc35276427)

[معانی مجازی امر: 5](#_Toc35276428)

[نهی: 6](#_Toc35276429)

[معنای حقیقی نهی: 6](#_Toc35276430)

[معنای مجازی نهی: 6](#_Toc35276431)

[استفهام 7](#_Toc35276432)

[ادوات استفهام 8](#_Toc35276433)

[جمع بندی 8](#_Toc35276434)

[فصل دوم: اغراض بلاغی استفهام 9](#_Toc35276435)

[استفهام حقیقی 9](#_Toc35276436)

[استفهام مجازی 10](#_Toc35276437)

[معانی مجازی استفهام 10](#_Toc35276438)

[1.انکار 10](#_Toc35276439)

[۲- نفی 12](#_Toc35276440)

[۳-نهی 12](#_Toc35276441)

[۴-امر 12](#_Toc35276442)

[۵-تقریر 13](#_Toc35276443)

[۶-إختبار 13](#_Toc35276444)

[۷-إخبار 13](#_Toc35276445)

[۸-إفتخار 14](#_Toc35276446)

[۹-إستبطاء 14](#_Toc35276447)

[۱۰-إستبعاد 14](#_Toc35276448)

[۱۱-تسویه 15](#_Toc35276449)

[۱۲-تعظیم 15](#_Toc35276450)

[۱۳-تفخيم 15](#_Toc35276451)

[۱۴-تحقیر 15](#_Toc35276452)

[۱۵-تهويل 16](#_Toc35276453)

[۱۶-تخفیف 16](#_Toc35276454)

[جمع بندی 16](#_Toc35276455)

[فصل سوم: تطبیق معانی استفهام بر آیات قرآن 17](#_Toc35276456)

[تطبيق معنای انکار 17](#_Toc35276457)

[نمونه های انکار ابطالی 17](#_Toc35276458)

[نمونه های انکار توبیخی 18](#_Toc35276459)

[تطبيق معنای تقرير 19](#_Toc35276460)

[نمونه های معنای تقریر 19](#_Toc35276461)

[تطبیق معنای تهکم 20](#_Toc35276462)

[نمونه های معنای تهکم 20](#_Toc35276463)

[تطبیق معنای تعجب 22](#_Toc35276464)

[جمع بندی 23](#_Toc35276465)

[فهرست منابع 24](#_Toc35276466)

# مقدمه

قرآن نور و مسیر هدایت انسان ،کتابی است که بشر را در راستای صراط الهی هدایت می کند و برای پرهیز گاران ومومنان راهنمایی راستین است . خداوند برای فهم معانی قرآن زیباترین روشهای حکیمانه را به کار برده است. ازجمله این روش ها آوردن پرسش ها وپاسخ هایی است که آدمی رابه طور غیر مستقیم به سوی فهم بهتر معانی قرآن سوق می دهد. بیش از هزار آیه ازآیات قرآنی دارای استفهام است. باتوجه به اینکه سوال کننده.پروردگارحکیم است. غرض او از استفهام آگاهی یافتن نسبت به مجهول نیست؛ بلکه در این استفهامات معانی و رموزی نهفته است که برای فهم آن باید به گوینده، مخاطب ، قرینه های لفظی ومعنوی، سیاق کلام ، کیفیت وشأن نزول آیه و کیفیت قرائات و وقف توجه کرد در غیر این صورت نمی توان معنای دقیقی از آیات بدست آورد.

این تحقیق در ضمن سه فصل به بررسی اسلوب استفهام در قرآن کریم پرداخته است .فصل اول شامل کلیات و مفاهیم است که در بخش مفاهیم موضوعاتی از قبیل تقسیم کلام به خبر و انشاء، اقسام انشاء، موارد انشاء طلبی از جمله استفهام، معرفی اداة استفهام اعراب اسماء استفهام و .... مورد بحث قرار گرفته است . در فصل دوم معانی مجازی استفهام به طور مفصل مورد بحث قرار گرفته است و در فصل سوم معانی مجازی بر نمونه هایی از آیات قرآن کریم تطبیق شده است.

کلید واژه ها: استفهام، معانی مجازی، اسلوب، قرآن کریم

# فصل اول: کلیات و مفاهیم

در این فصل مفاهیم استفهام از جمله معنا ،ادوات، اعراب، کاربرد وانواع استفهام بر اساس نوع طلب ومعانی آن بیان شده است.

### تقسیم کلام:

کلام از نظر دلالت بر معنا به دو قسم خبر و انشاء تقسیم می شود که به توضیح هریک می پردازم.

### خبر:

خبر در لغت به طور مطلق آن چیزی است که در باره آن خبر داده می شود و در اصطلاح علمای معانی عبارت است از نسبت دادن چیزی به چیزی دیگر به طریق حکم خواه این حکم اثبات باشد مثل العلم نافع وخواه سلبی باشد مانند: الجهل لیس بنافع واین نسبت بین دو چیزواقع می شود که یکی را مسند الیه یا محکوم علیه می گویند که ،مبتداء،فاعل،نائب فاعل این چنین هستند و دیگری را مسند یا محکوم به می گویند که، خبر و فعل این چنین هستند . جواهر البلاغه در تعریف خبر می گوید:کلامٌ یحتمل الصدق والکذب لذاته[[1]](#footnote-1)خبر یا کلام خبری عبارت است از جمله ای که ذاتا محتمل صدق و کذب می باشد و می توان مضمون آنرا راست ودروغ وگوینده اش را راستگو یا دروغگو پنداشت اما اینکه می گوییم ذاتا برای توضیح این معنی است که در احتمال صدق و کذب باید از خصوصیات و قرائن خارجی صرف نظر کرد ودر این حالت که از همه قرائن و أمارات صرف نظر کرده ایم می گوییم، کلام خبری ذاتا احتمال صدق و کذب دارد چه ممکن است بعضی قرائن در کار باشد که به واسطه آن جمله را دروغ محض یا راست محض بدانیم. مثلا جمله ای را از کسی بشنویم که همیشه دروغ بگوید و این جمله را هم دروغ گفته است اما با قطع نظر از این خصوصیت باز میگوئیم جمله خبریه ذاتا قابل صدق وکذب است. [[2]](#footnote-2)

### انشاء:

در لغت: **انشاء د**ر لغت دارای معانی گونا گونی است مانند : زنده کردن، پرورش دادن ، جعل و قرار دادن چیز، خلق کردن و ایجاد کردن ،شروع کردن شعر که در برخی لغت آمده است.[[3]](#footnote-3)

در اصطلاح: **و اما انشاء د**راصطلاح را این گونه تعریف کرده اند:کلام لا یحتمل صدقاً ولاکذباً لذاته نحواغفروإرحم...[[4]](#footnote-4) انشاء کلامی است ک ذاتا احتمال صدق وکذب در آن وجود ندارد مانند: جمله إغفر (ببخش) یا إرحم (رحم کن) به عبارت دیگر مقصود انشاء القاءکلام و حدوث ووقوع مدلول آن است در نفس وذهنشنونده ،و این مقصود جز با گفتن کلمات مخصوص ومعینی حاصل نمی شود به طوری که مفهوم این کلمات دارای هیچ نسبت ومطابقتی با امر خارجی نیست ،و چون هر مطابقت باامر خارجی را احتمال صدق وکذب ، ذاتی است ، بنابر این در انشاء به سبب نبودن این خصوصیت ، احتمال صدق وکذب وجود ندارد ، زیرا قصد گوینده القاء کلام در ذهن شنونده است، نه حکایت وقوع امری در خارج . بعضی از آن کلمات مخصوص عبارت اند از صیغه « إفعل » برای طلب فعل یا « لا تفعل » برای طلب پس مفهوم این الفاظ در ذهن شنونده واقع نمی شود مگر از راه تلفظ اینها، پس انشاء به طور مطلق به سخنی گفته می شود که برای مفهوم آن، نسبت خارجی نباشد، تا نسبت خارجی مطابقتی با نسبت کلامی داشته باشد یا نه.[[5]](#footnote-5)مناسبت انطباق معنی لغوی بر اصطلاحی در إنشاء، ایجاد کردن وقرار دادن چیزی است، زیرا انشاء در اصطلاح ، القاء کلام و حدوث و وقوع مدلول آن است در نفس و ذهن شنونده، و به همین جهت هم،این مقصود جزء با گفتن کلمات مخصوص ومعینی حاصل نمی آید و این کلمات را به مناسبت قوه القایی آنها ، در ضمن شنونده از انواع انشاء دانسته اند، به طوری که مفهوم این کلمات دارای هیچ نسبت و مطابقتی با امر خارجی نیست، و چون در هر مطابقت با امر خارجی احتمال صدق وکذب، ذاتی است، بنابر این انشاء را به سبب نبودن این خصوصیت، احتمال صدق وکذب نمی باشد، زیرا که قصد گوینده القاء کلام در ذهن شنونده است، نه آنکه از وقوع امری در خارج حکایت می کند.

### اقسام انشاء:

انشاء از نظر اینکه در معنای آن علاوه بر ایجاد حکم ،مفهوم طلب هم نهفته است یا نه به دو قسم تقسیم می شود .انشاء غیر طلبی که عبارت است از : مدح، ذم، عقود، قسم، تعجب، ترجی .انشاء طلبی که عبارت است از: استفهام، امر، نهی، تمنی، نداء

### انشاء غیر طلبی:

چیزی است که خواسته ای را که به هنگام طلب حاصل شود نخواهد یعنی در آن خواستن وطلب کردن نیست وبا صیغه های مدح وذم ،صیغه های عقود ،قسم ، تعجب،رجاء،و گاهی با رُبَّ و لعلّ وکم خبریه نیز می آید.

به عنوان مثال در آیه شریفه «و وهبنا لداوود سلیمان نعم العبد إنه أواب »[[6]](#footnote-6) معنای مدح حضرت سلیمان انشاء و ایجاد شده است ولی طلب و درخواست در آن وجود ندارد.

### إنشاء طلبی:

انشائی است که شئ مطلوب را درخواست می کند و به اعتقاد متکلم آن شئ در هنگام طلب وتقاضا موجود نیست وگر نه تحصیل حاصل می شود ، به کسی که مشغول آشامیدن است نمی توان گفت اشرِب ، بنابر این جمله های انشائی اگر برای مطلوب حاصل بکار برده شود نمی توان آنها را بر معانی حقیقت خودش بکار برد بلکه به حسب تناسب مقام، معانی دیگری پیدا می شود.که البته آن معانی، معانی مجازی خواهند بود .

انواع طلب در زبان عربی بسیار است ولی به جهت محدود بودن حجم تحقیق ما فقط سه مورد را مورد بحث قرار می دهیم.

1.امر، ۲.نهی، ۳.استفهام

### أمر:

أمر دارای دو معنای حقیقی و مجازی است که هر کدام را به تفصیل توضیح خواهیم داد.

### معنای حقیقی أمر:

در تعریف امر چنین گفته اند: هو طلب الفعل من المخاطب علی وجه الاستعلاء مع الالزام.[[7]](#footnote-7)

معنای حقیقی امر درخواست انجام فعل از مخاطب بر وجه استعلاء و الزام است یعنی اینکه امرکننده خود را بالاتر از مخاطب دانسته و او را ملزم به انجام کاری که به او امر می کند بداند خواه آمر واقعاً بالاتر از مخاطب باشد یا ادّعای علوّ داشته باشد . در این تعریف به سه نکته باید توجه شود.

1. قید «طلب»در تعریف أمر که خبر را خارج می کند زیرا خبر درخواست وطلب نیست.
2. قید« فعل» در طلب الفعل که طلب نهی را خارج می کند زیرا نهی فعل نیست بلکه ترک فعل است.
3. قید «استعلاء» که دعاوالتماس را خارج کرد زیرا «دعا» طلب نمودن مرتبه پائین تر از مرحله عالیتر است.مانند:خواستن ما از خدا و «التماس» می کند خواستن چیزی ازکسی است که در رتبه با دیگری مساوی است.

### معانی مجازی امر:

گاهی صیغه امر از معنای حقیقی خود یعنی درخواست انجام فعل ازمخاطب بروجه استعلاءوالزام خارج شده و به معنای دیگری می آید که از سیاق کلام وقرائن فهمیده می شود . صیغه امر که در غیر معنای اصلی استعمال می شود بر دو قسم است.

الف) آنکه طلب نباشد مانند: اباحه، تعجیز، اهانت و....

ب) آنکه طلب باشد ولی استعلاء نباشد مانند: دعا و التماس... هر دو معنای مجازی است.در کتاب جواهر البلاغه به سیزده معنای مجازی امر اشاره شده.

### نهی:

نهی دارای دومعنای حقیقی ومجازی است که هرکدام رابه تفصیل توضیح خواهیم داد.

### معنای حقیقی نهی:

در معنای حقیقی نهی چنین گفته اند: هو طلب الکفّ عن الشئ علی وجه الاستعلاء مع الإلزام .[[8]](#footnote-8) یعنی درخواست خود داری از انجام کار بر وجه استعلاء والزام است . یعنی نهی کننده باید علوّ و برتری به نهی شونده داشته باشدو ترک فعل را ر او الزام و واجب کند. نهی یک صیغه دارد وآن فعل مضارع مجزوم به «لا» ناهیه است مانند «لا تفسدوا فی الارض بعد اصلاحها»[[9]](#footnote-9)،ودر روی زمین ،بعد از آن که (در پرتو ایمان ودعوت انبیاء)اصلاح شده است ،فساد نکنید و «لا تجسسّوا ولا یغتب بعضکم بعضاً »[[10]](#footnote-10)جاسوسی نکنید و برخی از شما از برخی دیگر غیبت نکنید.ولی بعضی گفتند هر کلامی که دلالت کند بر معنی نهی چه به صورت صیغه نهی مانندلا تفعل باشد یا به صورت جمله اسمیه باشد مانند: هذا الفعل مبغوض یا به صورت تحذیرباشد مانند: إیاک ان تفعل یا به صورت جمله فعلیه باشد مانند اینکه ازامام معصوم درباره انجام کاری سؤال شده و امام فرموده است: لا تفعل که در مقام انشاء است یا بصورت جمله خبریه باشد مانند: «ویل للمطففین[[11]](#footnote-11)گفته شده تمام این موارد بعنوان صیغه نهی شمرده می شود.[[12]](#footnote-12)

### معنای مجازی نهی:

گاهی نهی از معنای حقیقی خود خارج شده وبه معنای دیگری (معنای مجازی)که بر حسب قرینه مقام فهمیده می شود استعمال می گردد واین معنای مجازی ، در بعضی موارد طلب استبدون استعلاء مانند دعا.....ودر بعضی طلب نیست مانند تهدید.بعضی از معانی مجازی که استعمال بیشتر دارند را ذکر می کنم .

### استفهام

استفهام در لغت از ماده فهِمَ یفهَمُ می باشد و به معنای طلب فهم کردن از دیگری است که او را بفهماند[[13]](#footnote-13) فَهِمتُ الشیءَ یعنی او را شناختم ولی إستَفهَمَهُ یعنی از او خواست تا به او بفهماند[[14]](#footnote-14)

سیوطی، آن را به معنی استخبار دانسته است.[[15]](#footnote-15) دانشمندان علم بلاغت تعریف دیگری از استفهام را ارائه می نمایند، چنانکه تفتازانی، آن را به طلب حصول صورت چیزی در ذهن تعریف کرده است.[[16]](#footnote-16) بعضی هم می گویند: حقیقت استفهام این است که متکلم از مخاطبش بخواهد آنچه در هنگام سؤال کردن در ذهنش نیست، حاصل شود.[[17]](#footnote-17)

**برخی دیگر استفهام را چنین معنا کرده اند:** سؤال وکسب خبر از چیزی ،خواه سائل به آنچه سؤال می کند آگاه باشد یا نسبت به آن جاهل باشد اگر جاهل باشد پرسش از آن برای استفهام است ،یعنی می پرسد برای اینکه بداند .واگر عالم باشد سؤال او برای به سخن آوردن مخاطب است ،یعنی می پرسد تا مخاطب را برای غرضی از اغراض به سخن در آورد .سؤال هایی که از جانب خدا مطرح شده است از این نوع است.[[18]](#footnote-18)

و بالاخره تعریف جواهر البلاغه از استفهام هم چنین است: هوطلب معرفةاسم الشئ او حقیقته اوعدده،اوصفة لاحقة به[[19]](#footnote-19) استفهام عبارت است از طلب آگاهی از نام چیزی یا حقیقت آن یا تعداد آن یا وصفی که به آن متصف است.

### ادوات استفهام

ادوات استفهام عبارت است از ابزاری که برای طلب اگاهی و فهم در جمله استفاده می شود و جمله به وسیله آنها به صورت استفهامی در می آید .

ادوات استفهام گاهی حرف و گاهی اسم هستند.حروف استفهام همزه و هل و اسماء استفهام ما، ماذا، من، مَن ذا، متی، أیّان، کیف، أین، أنّی، کم، أیّمی باشند.

### جمع بندی

از آنچه در فصل اول گذشت می توان به این نکته دست یافت که موضوع استفهام که یکی از قالبهای کلام انشائی است دارای مباحث بسیار متعدد ودر عین حال مباحث دقیق و قابل توجهی است هم از نظر اعرابی وکاربرد این قالب در کلام عربی و هم از نظر معنا و محتوا نکات فراوانی را در بر دارد که همه قالب های دیگر کلام عرب دارای این فراوانی مباحث نیستند:اگر چه استفهام در زبانهای مختلف از جایگاه مهمی بر خوردار است اما در کلام عربی با توجه به عادات مختلف وکاربرد های گوناگون اهمیت بسیار بیشتری دارد .

# فصل دوم: اغراض بلاغی استفهام

در این فصل انواع استفهام از نظر معانی مورد بررسی قرار گرفته است ، که به دو بخش حقیقی ومجازی تقسیم می شود . بعد از آنکه استفهام حقیقی توضیح داده شده است استفهام مجازی که بیشترین موارد استفهامات قرآنی را به خود اختصاص داده است به طور مفصل همراه با نمونه های قرآنی آن تبیین شده است.

## استفهام حقیقی

استفهام حقیقی عبارت است از استفهامی که سوال کننده،آنچیزی که علم ندارد ، برای اومعلوم نبوده است را سوال می کند. بنابر این در استفهام حقیقی، غرض از استفهام، طلب فهم و درک واقعی سوال کننده درباره سؤال مورد نظر می باشد. به عبارت دیگر متکلم در صدد یافتن پاسخی برای مجهول خود است. در آیات زیر، معنای حقیقی استفهام قابل برداشت است: یسئلونک ماذا ینفقون؟ قل ما أنفقتم من خیر فللوالدین والأقربین والیتامی والمساکین وابن السبیل؟[[20]](#footnote-20) (پیامبر) از تو می پرسند چه انفاق کنند؟ بگو: هر مالی که می بخشید(بهتر است)به پدرومادر وخویشان ویتیمان و تنگدستان وبه راه مانده انفاق کنید...یسئلونک ماذا أحلّ لهم قل أحلّ لکم الطیبات.[[21]](#footnote-21) از تو سوال می کنند چه چیزی هایی برای آنها حلال شده است؟ بگو آنچه پاکیزه است برای شما حلال شده است.قال ربّ أنی یکون لی غلام وکانت امرأتی عاقرا[[22]](#footnote-22) (زکریا)گفت پروردگارا چگونه مرا پسری خواهد بود حال آنکه زنم نازا است و... می توان گفت: که غالب پرسش هایی که از زبان بشر در قرآن آمده است استفهام حقیقی است.

## استفهام مجازی

استفهامی که سوال کننده در باره آنچه سوال می کند جاهل نبوده ولکن به علل مختلفی از آن سوال می کند .بنابر این در استفهام مجازی ،متکلم در پی این نیست که جوابی برای سوال خود بیابد بلکه به وسیله سوال برای اغراض دیگری درباره شیء معلوم ،پرسش می شود ،که آن معنا از سیاق ودلالت کلام فهمیده می شود.مانند :هل جزاءالاحسان إلاّ الاحسان؟ [[23]](#footnote-23) آیا پاداشی جزنیکی برای نیکی است؟یعنی (ما جزاء الاحسان إلا الاحسان) پاداشی جز نیکی برای نیکی نیست.در اینجا سوال برای نفی و انکار است.

### معانی مجازی استفهام

هر گاه استفهام از معانی حقیقی که عبارت است از طلب علم به مجهول خارج شود دارای معانی مجازی می شود.که به این معانی اشاره می کنیم.

### 1.انکار

با توجه به اینکه انکار بیشترین معانی مجازی را به خود اختصاص داده است،توضیح مبسوط تری نسبت به معانی مجازی دیگر درباره آن می دهیم.

انکار یعنی متکلم به وسیله مورد سوال قرار دادن مستفهم عنه منکر آن شود ، پس هرگاه امری مورد انکار قرار گیرد، نفرت ورویگردانی از آن ظاهر می شود.

انکار بر دو قسم است :۱.انکار ابطالی ۲. انکار توبیخی

الف) انکار ابطالی در جملات مثبت:

این مورد از موارد انکار در صورتی است که ما بعد استفهام غیر واقع است و البته در ضمن آن معنای اظهار تعجب، استهزاء تقبیح و مانند آن فهمیده می شود ادعا کننده و گوینده آن دروغگو و کاذب است و مقصود از استفهام، نفی وقوع و یا بعید شمردن آن است. انکار ابطالی (انکار تکذیبی) اگر در ماضی باشد به معنای (لم یکن) می باشد. مانند أفأصفاکم ربّکم بالبنین واتّخذوا الملائکةإناثا...[[24]](#footnote-24) یعنی لم یفعل ذالک.[[25]](#footnote-25) کنایه از این است که چنین نیست که پروردگار شما فرزندان پسر را مخصوص شما ساخته وخود دخترانی از فرشتگان بر گزیده است، و گوینده آن دروغگو و کاذب است واین ترجیح واقع نشده است.

ب) انکار ابطالی در جملات منفی

در این صورت چون استفهام به معنی نفی است و بر سر جمله منفی آمده است. نفی در نفی معنی اثبات می دهد این گونه استفهام، معنی تقریر وتحقیق می دهد، مانند: «ألیس الله بکافٍ عبده.. .[[26]](#footnote-26)» آیا خدا برای بنده اش کافی نیست؟ یعنی محققاً خدا بنده اش را کفایت می کند...

ج) انکار توبيخی در جملات مثبت:

این معنا در صورتی است که بعد از ادات استفهام که غالبا همزه است افعال ناپسندی واقع شده باشد، که آن فعل مورد تقبیح و تعجب واقع شود و فاعل آن مورد توبیخ قرار گیرد، به دلیل اینکه شایسته نبود که این کار را انجام دهد، مانند: قال أراغبٌ أنت عن آلهتی یا ابراهیم[[27]](#footnote-27) گفت ای ابراهیم مگر تو از خدایان ما روی گردان شدی؟

د) انکار توبیخی در جملات منفی:

این معنا در آیات زیادی از قرآن کریم وجود دارد، مانند آیه: ألایتّقون قال ربِّ إنِّی أخافُ أن یکذّبونِ...[[28]](#footnote-28) قوم فرعون آیا پرهیز گار نمی شوند؟ گفت پروردگارا می ترسم مرا تکذیب کنند و غرض از سوال ألا یتّقون توبیخ آنان است.[[29]](#footnote-29) یا آیه ألیس منکم رجلٌ رشیدٌ...[[30]](#footnote-30) آیا در میان شما یک مرد رشید «خدا پرست» نیست؟ در این آیه قوم لوط چون جانب رشد وهدایت را رها کردند توبیخ شدند که آیا مردی در میان آنان نیست؟[[31]](#footnote-31)

### ۲- نفی

بعضی این نوع استفهام را از اقسام انکار دانسته اند.برای تحقیق چنین معنایی أدات استفهام «هل» و «مَن» به همراه «إلّا» می آید. مانند: هل نجازی إلّآ الکفور.[[32]](#footnote-32) آیا جز ناسپاس را مجازات می کنیم؟ سیوطی معتقد است استفام در این آیه به معنای نفی به کار رفته است[[33]](#footnote-33) و معنا چنینمی شود «ما غیر از ناسپاس کسی را مجازات نمی کنیم»

### ۳-نهی

از جمله مواردی که استفهام در معنای حقیقی خود به کار نرفته است نهی است که مراد سوال در این آیه نهی از موضوع می باشد. مانند: أتخشونهم فالله أحق أن تخشوه ان کنتم مؤمنین[[34]](#footnote-34) آیا از آنها (سران کفر) می ترسید؟ اگر مؤمن هستید خدا سزاوار تر است که از او بترسید. مفهوم آیه چنین می شود که از غیر خدا نترسید.

### ۴-امر

منظور از سوال در بعضی موارد امر کردن به آن موضوع می باشد، مانند: فهل أنتم منتهون یعنی: آیا دست بردار هستید یعنی إنتهوا دست بردارید.[[35]](#footnote-35) در میان ادوات استفهام «همزه» و «هل» به این معنی به کار رفته اند.

### ۵-تقریر

منظور از تقریر ،اقرار واعتراف گرفتن از مخاطب به وسیله پرسش کردن از اوست . استفهام به معنای تقریر، بیشتر به وسیله همزه ودر جملات منفی به کار رفته است. و گاهی همراه با معنای تعجب وتوبیخ می باشد. مانند: أفتطمعون أن یؤمنوا لکم....[[36]](#footnote-36) پس آیا انتظار دارید (چنین مردمی) به (دین) شما ایمان بیاوردند؟ و ألم ترَ الی کیف مدَّ الظِّلَّ[[37]](#footnote-37)، آیا به (قدرت و حکمت) پروردگارت ننگریستی که چگونه سایه را امتداد داد و گستراند؟

### ۶-إختبار

گاهی استفهام به معنای اختبار و ازمایش کردن است وآن وقتی است که سوال کننده عالم باشد وهدف او سوال از کردن امتحان مخاطب و آزمون او باشد، مانند: ...قال کم لبثت [[38]](#footnote-38) گفت: چقدر درنگ کردی؟ واضح است که خدا میزان درنگ او «عزیر» را می دانست ولی برای اینکه او را بیازماید و ببیند او فهمیده است چقدر درنگ کرده اند این گونه سوال می کند.[[39]](#footnote-39)

### ۷-إخبار

گاهی هدف از استفهام خبر دادن می باشد[[40]](#footnote-40) مانند :أفی قلوبهم مرض ام ارتابوا...[[41]](#footnote-41) آیا در دلها یشان بیماری است یا به شک افتاده اند؟ در این آیه خداوند می خواهد خبر دهد از این واقعیت که یا آنها گرفتار بیماری روحی شده اند ویا آنکه گرفتار شک و تردید هستند.

### ۸-إفتخار

گاهی هدف از استفهام افتخار کردن می باشد[[42]](#footnote-42) مانند:ألیس لی ملک مصر وهذه الانهار تجری من تحتی أفلا تبصرون[[43]](#footnote-43) آیا پادشاهی مصر و این نهرها که از زیر (کاخهای) من روان است از آن من نیست پس مگر نمی بینید؟ بدیهی است غرض از این نوع بیان، فخر فروشی نسبت به دیگران است.

### ۹-إستبطاء

إستبطاء به این معنا است که فعل با کُندی وتأخیر صورت گرفته است ومتکلم در مقام شکایت از این تأخیر برآمده است. «استبطاء» از ماده «بطؤ، بطأً و بطوءً» می باشد أبطأ به معنای کندی کرد از نظر معنا مخالف أسرع است که به معنای سرعت گرفت می باشد و إستبطاءه یعنی او را کُند شمرد.[[44]](#footnote-44) استبطاء یعنی مخاطب را در اجابت کردن متکلم، کند شمردن، مانند: کم دعوتک؟ یعنی تو را چقدر بخوانم؟ کنایه از این است که تو دیر جواب می دهی. غرض متکلم این نیست که از مخاطب بپرسد که من تو را چقدر صدا زدم، بلکه غرض او اینست که تو در جواب، کوتاهی و کندی می کنی.

### ۱۰-إستبعاد

استبعاد به معنی دور شمردن وبعید دانستن است و در آیاتی که ادوات استفهام آنها «أنّی» و «أیّان» و «متی» می باشدبه کار می رود، مانند: أنّی لهم الذکری وقد جائهم رسولٌ مبین[[45]](#footnote-45) کجا متذکر شدند در صورتی که رسول ما با آیات روشن آمد.در این آیه استفهام مفید معنای استبعاد می باشد[[46]](#footnote-46) یعنی آنچه مورد استفهام واقع شده که پند پذیری کفار است که به وسیله ادات استفهام «أنّی» بعید شمرده شده است.

### ۱۱-تسویه

تسویه در لغت به معنای مساوی قرار دادن دو چیز است و در اصطلاح تسویه به معنای آن است که بعد از همزه دو جمله آورده شود که نزد متکلم مساوی است ضمناًدر این نوع معنای استفهام می شود در معنا همزه و دو جمله بعد را بر داریم ومصدر را جایگزین هر یک از آنها کنیم مانند: سواءٌ علیهم أأنذرتهم أم لم تنذرهم لا یومنون[[47]](#footnote-47) مساوی است برآنها چه انذارشان کنی یا انذارشان نکنی ،ایمان نمی آورند.

### ۱۲-تعظیم

غالبا معنای تعظیم با ادوات استفهام «ما، من، أنّی» فهمانده می شود، مانند: من ذا الذی یشفع عنده إلّا باذنه از آیه این معنا فهمیده می شود «کسی که دیگران بدون إذن او شفاعت نمی کنند بسیار با عظمت است». یا آیه «وما أدراک ما یوم الدین[[48]](#footnote-48)» از این آیه عظمت روز قیامت فهمیده می شود.

### ۱۳-تفخيم

گاهی استفهام به معنای تفخیم آورده می شود. مانند: ما لهذا الکتاب لا یغادر صغیره ولا کبیره إلا أحصاها...[[49]](#footnote-49) این چه کتابی است که هیچ عمل کوچک و بزرگی را فرو نگذاشته مگر اینکه آن را بشمار آورده است؟ محی الدین درویش استفهام در این آیه را به معنای تفخیم می داند [[50]](#footnote-50).

### ۱۴-تحقیر

تحقیر به معنای کوچک شمردن چیزی است[[51]](#footnote-51)و معنای آن بر عکس تعظیم و تفخیم است مانند: أهذا الذی بعث الله رسولاً[[52]](#footnote-52) آیا این همان کسی است که خداوند او را به عنوان رسول فرستاده است.یعنی این کوچک تر از آن است که دارای چنین جایگاهی باشد.

این معنا بیشتر در آیاتی که با «أ» وپس از آن اسم اشاره «هذا» آغاز شده ،به کار می رود.

### ۱۵-تهويل

مراد از تهویل، ترساندن و هول انگیختن است. برخی استفهام در آیه ذیل را به این معنا می دانند[[53]](#footnote-53) مانند: الحاقّة ما الحاقّة. و ما ادریک ما الحاقّة این معنا بیشتر در آیاتی که در آنها (ما) استفهامیه بیاید، به کار می رود.

### ۱۶-تخفیف

تخفیف عکس تهویل (ترساندن) است یعنی آسان و ساده جلوه دادن مانند: وما ذا علیهم لو أمنوا بالله والیوم الأخر.[[54]](#footnote-54) چه می شد بر آنها اگر ایمان به خدا وروز قیامت پیدا می کردند یعنی ایمان آوردن به خدا و روز قیامت برایشان آسانتر و بهتر بود.

## جمع بندی

استفهام که یکی از اسلوبهای بلاغی در علم معانی است مانند اسلوبهای دیگر این قابلیت را دارد که معانی ثانویه ای غیر از معنای ظاهری و اولی کلام را بفهماند. آن چه به قالبهای کلام عربی جاذبه قابل توجهی داده است.

همین توانایی و قابلیت است . قرآن کریم که به عنوان معجزه پیامبر اکرم معرفی شده است در موارد بسیار متعددی از این اسلوب استفاده کرده است و در واقع ودر واقع می توان گفت یکی از جلوه های اعجاز قرآن کریم استفاده از اسلوب استفهام برای ارائه معانی ثانویه متعددی است که ما از آنها با عنوان معانی مجازی یاد کردیم . در فصل سوم با نمونه های بیشتری از کاربرد این معانی مجازی آشنا خواهیم شد.

# فصل سوم: تطبیق معانی استفهام بر آیات قرآن

بعد از آنکه در فصل دوم با معا نی مجازی استفهام که بر اساس اغراض بلاغی گوناگون بوجود آمده بود آشنا شدیم در این فصل به عنوان نمونه با تطبیق برخی از معانی که نسبتا کاربرد بیشتری دارند بر استفهام های قرآنی آشنا خواهیم شد. بدیهی است تطبیق همه معانی مجازی استفهام برآیات قرآن کریم در محدوده حجم این تحقیق نمی گنجد بنابر این ما فقط به چند مورد از آنها اکتفا خواهیم کرد.

### تطبيق معنای انکار

بیشترین معنای مجازی استفهام که در آیات قرآن موردتوجه قرار گرفته است معنای انکار می باشد. نمونه هایی از معنای انکار ابطالی و انکار توبیخی را مرور می کنیم.

### نمونه های انکار ابطالی

##### ۱-يُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا..[[55]](#footnote-55).

این آیه شریفه در مذمت غیبت وتشبیه آن به خوردن جسم برادر میت خود آمده است.این همزه مفید معنای انکار وقوع دوست داشتن این عمل است و ابطال و تکذیب ادعا کسی که بگوید نسبت به این عمل علاقه دارد علامه طباطبایی[[56]](#footnote-56)همین قول را در آیه اختیار نموده اند.

لکن شیخ طوسی[[57]](#footnote-57)، مرحوم طبرسی،[[58]](#footnote-58) زمخشری[[59]](#footnote-59) خلاف آنرا معتقدند و می گویند همزه برای استفهام حقیقی است ضمناً از علامات این معنا برای همزه، قرار دادن ادات نفی به جای آن است. ولی در زبده البیان این همزه برای استفهام تقریری آمده است ، زیرا حرمت اکل میته انسان برای مخاطب مسلم بوده است وبر این اساس می توان بر حرمت غیبت نیز استدلال نمودزیرا مقصود آیه تشبیه نمودن غیبت به اکل میته است .

##### ۲-هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ أَمْرُ رَبِّكَ....[[60]](#footnote-60) .

«هل ینظرون» آیا کافران انتظار می برند که در واقع یعنی آنها منتظر نیستند «هل» در این آیه شریفه استفهام انکاری است. که منفی می باشد.[[61]](#footnote-61)

##### ۳-فهل علی الرّسل إلّا البلاغ المبین(نحل/۳۵)

### نمونه های انکار توبیخی

##### ۱- يا أَهْلَ الْكِتابِ لِمَ تُحَاجُّونَ في‏ إِبْراهيمَ وَ ما أُنْزِلَتِ التَّوْراةُ وَ الْإِنْجيلُ إِلاَّ مِنْ بَعْدِهِ أَ فَلا تَعْقِلُون‏

اینجا همزه استفهام برای انکار توبیخیِ تعجبی بکار رفته است ای «الا تتفکرون »

##### 2- «أفلا یتدبرون القرآن ولوکان من عندغیرالله لوجدوا فیه اختلافاً کثیراً »[[62]](#footnote-62)

اینجا همزه استفهام برای انکار توبیخی است دراصل ای«لِمَ لایَتَدبَّرون ولایتآملون فی آیاته»[[63]](#footnote-63)

##### 3- أیبتغون عندهم العزه...[[64]](#footnote-64)

##### اینجاهمزه برای استفهام انکاری وبرای توبیخی استعمال شده است.

##### ۴-ألهم أرجُلٌ یَمشُون بِها أم لَهم أیداٍ یبطَشون بها..[[65]](#footnote-65)

اینجا همزه ألهم ارجل... استعمال شده برای استفهام انکاری توبیخی همراه نفی.[[66]](#footnote-66)

## تطبيق معنای تقرير

همان گونه که گذشت مفهوم تقریر به معنای اقرار گرفتن از مخاطب است نسبت به امری که خود به آن یقین دارد وبا کمک همزه این اقرار حاصل می شود در تقریر ممکن است که اقرار گرفتن از مخاطب خود فاعل باشد یا فعل یا مفعول به...حقیقت استفهام تقریری این است که استفهام انکار است و انکار نفی یعنی منفی بر منفی داخل می شود و موجب اثبات می شود.[[67]](#footnote-67)

### نمونه های معنای تقریر

##### 1-أفمن کانَ علی بیّنةٍ مِن رَبِّه و یتلوُهُ شاهِدٌ مِنهُ و مِن قَبلِه کتابُ موسی إماماً وَ رحمَةً ...[[68]](#footnote-68)

آیا کسی که از جانب پروردگارش بر حجتی روشن است و شاهد از «خویشان»او پیرو آن است و پیش از او «نیز»کتاب موسی راهبر ومایه رحمت است «دروغ می بافد»برخی از مفسران استفهام را در آیه فوق را به معنای تقریر می دانند.[[69]](#footnote-69)

##### 2-لَم تَرَ أَنّ الله أنزَلَ من السماء ماءً[[70]](#footnote-70).

یعنی: مگر ندیده ای که خدا از آسمان آبی فرود آورد؟زمخشری استفهام در آیه فوق را به معنای تقریر می داند.

##### 

##### 3-قال ألم أقل لکم إنّی اعلم غیب السموات والارض...[[71]](#footnote-71)

اینجا شاهد مثال همزه استفهام که برای تقریر آمده است.[[72]](#footnote-72)

##### 4-قال هل عسیتم إن کتب علیکم القتال .[[73]](#footnote-73)

راین آیه هل به معنای استفهام تقریری آمده است [[74]](#footnote-74).

##### 5-قل هل یستوی الأعمی والبصیرأفلا تتفکرون[[75]](#footnote-75)

را این آیه شریفه هل به معنای نفی است یعنی لا یستویان و همچنین جائز است در معنای استفهام تقریری باشد زیرا که این أمری واضح وآشکار است. [[76]](#footnote-76)

### تطبیق معنای تهکم

تهکم: به معنای استهزاء وطعنه زدن است لهذا اسلوب تهکم برای به سخریه گرفتن ویا طعنه زدن به مخاطب و فعل مخاطب بکار می رود. که به نمونه هایی از آن در آیات قرآن اشاره می کنیم.

### نمونه های معنای تهکم

##### 1-أصَلواتُکَ تأمُرُکَ أن نَترُکَ ما یعبُدُ أباءُ نا[[77]](#footnote-77)

یا نماز تو به تو دستور می دهد که آن جه را پدران ما می پرستیدند رها کنیم؟ در این آیه شریفه کافران خطاب به حضرت یعقوب و با حالت طعنه وتمسخر می گویند آیا نماز تو، تو را وادار می کند که از ما بخواهی شیوه پدران خود را ترک کنیم؟

##### ۲-وإذ قال موسی لقومه إنّ الله یأمرکم أن تذبحوا بقرة قالوا أتتخذنا هزوا...

شاهد مثال در أتتخذونا است که اینجا همزه استفهام برای تحکم واستهزاء آمده است.[[78]](#footnote-78).

##### ۳-قل هل عندکم من علم فتخربوه...[[79]](#footnote-79)

(خداوند به پیامبر می فرماید:به کفار بگو آیا برای سخنان خود امر معلوم وصحیحی که بدان حجّت آورید ، دارید؟ در این آیه شریفه هل به معنای استفهام تهکم واستهزاء کفّار است .[[80]](#footnote-80)

##### 4-ویقولون متی هذا الوعد إن کنتم صادقین[[81]](#footnote-81)

هر زمانی که پیامبر اسلام کفار ومعاندین را تهدید وتوعید می فرمود و مدتی می گذشت و عذاب نمی امد می گفتند که خواهد آمد وعده تو اگر در ادعایت صادق هستی و بدین ترتیب احتجاج می کردند به ظاهر نشدن عذاب. «متی هذا الوعد»که متی برای استفهام از زمان بکار رفته ودر این آیه خبر مقدم ومحلاً مرفوع واقع شده برای مبتداء مؤخر که هذا است و مربوط به این آیه است.که می فرماید :ویقولون متی هو....[[82]](#footnote-82) شاهد مثال در «ویقولون متی هو» که خداوند پیامبر را خطاب قرار می دهد که به زودی منکرین وکفار سر خود را به طرف تو بر سبیل استهزاءوسخری حرکت دهند و بگویند که خواهد بود این بحث ونشور،بنابر این درآیه مذکور بوسیله متی از زمان و وقت بعث و نشور استفهام شده است در این آیه متی خبر مقدم در محلاً مرفوع و هو مبتداء مؤخر است مانند آیه مذکور. فیقولون ما ذا ارادالله بهذا مثلاً...[[83]](#footnote-83) شاهد مثال در آیه (ماذا...) مشرکان از اینکه قرآن امثال وضرب المثل را برای ایضاح مراد بکار برده از روی عناد واستهزاء سوال کردند چه چیز خواسته واراده کرده است با این مثل؟

### تطبیق معنای تعجب

یا مریمُ أنّی لَکِ هذا ؟...[[84]](#footnote-84) استفهام در این آیه می تواند مفید بخش معنای مجازی «استنباط» باشد یعنی مِن أین لکِ هذا الرزق الذی لا یشبه ارزاق الدنیا و هو آت فی غیر حینه و الابواب مغلقه علیک لا سبیل للدخل به إلیک؟[[85]](#footnote-85)البته معنای زیباتری که از استفهام فوق استنباط می شود معنای مجازی «تعجب» یا به عبارتی دیگر «تعجب از امر حادث» می باشد که این معنا با توجه به شرح مذکور و محتوای کلام در مورد این استفهام صادق تر است و در همین سوره در آیه ۴۰ خداوند متعال می فرماید «أنّی یکون لی ...» یعنی به معنای مِن أین یکون وقیل کیف یکون لی ولد و اصابنی الشیب ونالنی الهرم.[[86]](#footnote-86)استفهام در آیه فوق مفید معنای مجازی «تعجب واستعلام»می باشد.«استعلام به معنای پرسیدن از چیزی است که یقین و آشکار و بی شک وتردید می باشد» به خاطر حقیقت حال ، بنابر این معنای استبعاد واستعظام را نمی دهد به خاطر تصریح بشارت خداوند در آیه «أنّ اللهَ یبشِرُکَ بیحیی» و این معنایی است که در تفسیر الخازن نیز به آن اشاره شده که:«فإن قُلت کیف انکرزکریا الولد مع تبشیر الملائکة ایاه به و ما معنی هذه المراجعة و لم تعجب من ذلک بعد وعد الله و فی قدرته ،قلت لم یشک زکریا علیه اسلام فی وعدالله و فی قدرته إنّما قال ذلک علی سبیل الاستفهام و الاستعلام.» [[87]](#footnote-87)در پرتویی از قرآن آمده است :«گویا همین که زکریا از بیخودی وجزبه ملکوتی به خود آمد و شگفتی او را گرفت ، این گونه استفهام تعجبی ،نه انکاری ،و از پروردگارش نه از فرشتگان بشارت دهنده کرد ،او در ند ای فرشتگان و بشارتشان شک وانکار نداشت ،اعجابش از انطباق این بشارت با شرایط وضع خود و زنش بود که چگونه و از کجا برایش پسری می باشد ؟ با آنکه پیری و سالخوردگی همکه وجود و اعضایش را فرا گرفته » «بلغنی الکبر» وزنش هم نازا بود «و إمرأتی عاقر...» ،سوره مریم پیری و فرتوتی زکریا به صورت مبین تری نمایانده شده است. «ربِّ إنّی وَهنَ العَظم منی واشتعل الرأس شیباً.»[[88]](#footnote-88)اما در تفسیر کنز الدقائق آمده: «قال رب أنّی یکون لی غلام» استبعاداً مِن حیث العادة أو استعطاماً وتعجباً او استفهاماً عن کیفیّة حدوثه.[[89]](#footnote-89)همین طور در تفسیر صافی معنایی که برای «أنّی یکون لی غلام»آمده به معنای استبعاد واستفهام است .«استبعاد عادی واستفهام»[[90]](#footnote-90) ودر تفسیر منهج الصادقین استفهام فوق را این چنین شرح می دهد .«إنّی یکون لی غلام» این استبعاد است از امر عادت یا استفهام و تعجب یا استفهام از کیفیت حدوث غلام ،یعنی به چه وجه مرا پسری پیدا شود؟در حالی که ....[[91]](#footnote-91)

نظر بنده حقیر این است که اینجا استفهام أنّی به معنای تعجب است چون پیری وسالخوردگی همه وجود و اعضایش را فرا گرفته بود وزنش هم نازا بود وآیه پیشین «أنّ الل یُبشرک بیحیی» معنای استبعاد را دور می کند.

## جمع بندی

آنچه در این فصل گذشت بیان مواردی از آیات کریمه قرآن بود که در آنها معانی مجازی استفهام مورد توجه قرار گرفته بود . البته نه موارد آیات به این تعدادی که بیان شد محدود می شود و نه معانی مجازی به این مقدار محدود می شود بلکه معانی مجازی فراوانی در قالب استفهام وجود دارد که در فصل دوّ م به آنها اشاره شد و هم موارد هر کدام از معانی متعدداست. ما با توجه به حجم تحقیق پایانی فقط به عنوان نمونه چند مورد از معانی مجازی را آوردیم و در ذیل هر معنا به نمونه هایی از آن معانی اشاره کردیم.

## فهرست منابع:

1. قرآن کریم

2. ابن عاشور، التحریر و التنویر ، محمد طاهر بن محمد شاذایی، الناشر الموسسه التاریخ .

3. ابن منظور ،علي شيري ،لسان العرب ،بيروت ـ لبنان ،1997م ،الطبعه الاولي ،

4. احمد هاشمي ،جواهرالبلاغه في المعاني والبيان والبديع ،الطبعه العاشره

5. تفسیر اثنا عشری ،حسینی شاه عبدالمعظیمی،حسین بن محمد،تهران ،انتشارات میقات ،1363،چ اول

6. تفسیر الخازن المسمی لباب التاویل فی معانی ،التنزیل خازن، علی بن محمد ، ناشر الیمامه ،1376 ، 1994م،1415ق.

7. جلال الدين ،سيوطي ،الاتقان في علوم القرأن ،الانتشارات رضي ،.

8. جمال الدين ،ابن هشام ،مغني البيب ،الدكترمازن المبارك ،.

9. الدرویش ، محی الدین ، اعراب القرآن ، دمشق ، الطبعه الرابعه .

10. محی الدین، درویش، اعراب القرآن ،ناشر الیمامه ، دار ابن کثیر

11. زكريا ،احمدابن فارس ،معجم مقاييس اللغه ،بيروت ،الطبعه الاولي ،

12. زمخشري ،اساس البلاغه ،محمد بن عمر،بيروت ـ لبنان ـ الناشر1996م ـ 1375

13. الزمشخری ، محمد بن عمر ، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون العقاویل

14. قاسمی، جمالدین، تفسیر القسمی المسمی محاسن التأویل، ناشر دارالکتب العلمیه للمطبوعات، 1376،

15. السمین ، الحلبی ، الدر المصون ، بیروت ، دارالکتب العلمیه ، 1414.

16. الغلاييني ،مصطفي ،جامع الدروس ،الانتشارناصرخسرو ـ تهران ـ ايران

17. صافی، محمود ،الجدول فی اعراب القرآن و صرفه و بیانه مع فوائد نحویه هامه ،ناشر مدین احسان

18. طباطبائی ، محمد حسین ، تفسیر المیزان، دفتر انتشارات اسلامی قم ، الطبعه الاولی .

19. طبرسی ، فضل بن حسین ، تفسیر مجمع البیان ، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

20. الطريحي ،احمد الحسيني ،مجمع البحرين ،ناشرمرتضوي ،1365،الطبعه الثانيه.

1. جواهر البلاغه، ص۵۶ [↑](#footnote-ref-1)
2. معانی وبیان، ص۹۲ [↑](#footnote-ref-2)
3. لسان العرب ،ج ۱۴، ص۱۳۵ [↑](#footnote-ref-3)
4. تهذیب جواهر البلاغه، ص ۵۵ [↑](#footnote-ref-4)
5. جواهر البلاغه،ص۷۹ [↑](#footnote-ref-5)
6. سوره ص/۳۰ [↑](#footnote-ref-6)
7. .جواهر البلاغه ،ص ۸۲- ۸۱ [↑](#footnote-ref-7)
8. .جواهر البلاغه،ص۶۳ [↑](#footnote-ref-8)
9. سوره اعراف/ ۸۵ [↑](#footnote-ref-9)
10. حجرات/ ۱۲ [↑](#footnote-ref-10)
11. .مطففین/۱ [↑](#footnote-ref-11)
12. جواهر البلاغه،ص ۶۳ [↑](#footnote-ref-12)
13. مفردات راغب ص۲۸۶ [↑](#footnote-ref-13)
14. لسان العرب، ج۱۰، ص۳۴۳ [↑](#footnote-ref-14)
15. .الإتقان ،ج ۱۰ ،ص۳۴۳ [↑](#footnote-ref-15)
16. .مختصرالمعانی،۱۳۱ [↑](#footnote-ref-16)
17. .الکلیات،ص ۹۷،البلاغة الواضحة،ص۱۹۴ [↑](#footnote-ref-17)
18. علوم العربیه، ج ۲، ص۷۹۷ [↑](#footnote-ref-18)
19. جواهر البلاغه،ص۵۶ [↑](#footnote-ref-19)
20. . بقره/۲۱۵ [↑](#footnote-ref-20)
21. .مائده/۴ [↑](#footnote-ref-21)
22. .مریم/۸ [↑](#footnote-ref-22)
23. .الرحمن/۶۰ [↑](#footnote-ref-23)
24. .الاسرار [↑](#footnote-ref-24)
25. .الإتقان، ج ۲، ص۲۵۲ [↑](#footnote-ref-25)
26. .زمر/۳۶ [↑](#footnote-ref-26)
27. .مریم/۴۶ [↑](#footnote-ref-27)
28. .شعراء/۱۱ [↑](#footnote-ref-28)
29. .الکشاف،ج ۳،ص۳۰۱ [↑](#footnote-ref-29)
30. .هود/۷۸ [↑](#footnote-ref-30)
31. .الکشاف،ج ۲،ص۴۱۴ [↑](#footnote-ref-31)
32. سبا ء /۱۷ [↑](#footnote-ref-32)
33. .الإتقان،ج ۳،ص ۲۳۵ [↑](#footnote-ref-33)
34. .جواهر البلاغة ،ص۸۳ [↑](#footnote-ref-34)
35. .الجدول فی اعراب القرآن صرفه وبیانه ،ج ۴،ص۱۷ [↑](#footnote-ref-35)
36. .بقره/۷۵ [↑](#footnote-ref-36)
37. .فرقان/۴۵،الاتقان فی النحو واعراب القرآن ،ج ۳،ص۹۹۴ [↑](#footnote-ref-37)
38. . بقره/۲۵۹ [↑](#footnote-ref-38)
39. ۔الکشاف ،ج۱،ص۳۵ [↑](#footnote-ref-39)
40. ۔اعراب القرآن وبیانه ،ج۵،ص۲۴۲ [↑](#footnote-ref-40)
41. .النور/۵۰ [↑](#footnote-ref-41)
42. .محاسن التأویل،ج۸،ص۱۹۳ [↑](#footnote-ref-42)
43. .زخرف/۵۱ [↑](#footnote-ref-43)
44. المعجم الوسیط،ص۴۱ [↑](#footnote-ref-44)
45. .دخان/۱۳ [↑](#footnote-ref-45)
46. .من بلاغة القرآن،ص۱۶۵ [↑](#footnote-ref-46)
47. .بقره/۶ [↑](#footnote-ref-47)
48. .انفطار/۱۷،المیزان،ج ۲۰،ص۵۴۸ [↑](#footnote-ref-48)
49. کهف/۴۹ [↑](#footnote-ref-49)
50. اعراب القرآن الکریم،ج۵،ص۲۳۱ [↑](#footnote-ref-50)
51. معجم المقایس اللغة،ج۱،ص۲۵۷ [↑](#footnote-ref-51)
52. فرقان/۴۱ [↑](#footnote-ref-52)
53. جواهر البلاغه،ص۸۴ [↑](#footnote-ref-53)
54. نساء/۳۹،اعراب القرآن وبیانه،ج۲، ص۹۲ [↑](#footnote-ref-54)
55. .حجرات/۱۲ [↑](#footnote-ref-55)
56. .المیزان/ج۱۸،ص۳۲۴ [↑](#footnote-ref-56)
57. .التبیان،ج۹،ص۳۵۱ [↑](#footnote-ref-57)
58. .مجمع البیان،ج ۵،ص۱۳۷ [↑](#footnote-ref-58)
59. .الکشاف ،ج۴،ص۳۱۶ [↑](#footnote-ref-59)
60. .نحل/۳۳ [↑](#footnote-ref-60)
61. .اعراب القرآن،۴،ص۳۰۲ [↑](#footnote-ref-61)
62. .نساء/۸۲ [↑](#footnote-ref-62)
63. .اعراب القرآن،جلد ۲،ص۱۰۵ [↑](#footnote-ref-63)
64. .نسا/۱۳۹ [↑](#footnote-ref-64)
65. .اعراف/۱۹۵ [↑](#footnote-ref-65)
66. .اعراب القرآن،ج۳،ص۲۱۸ [↑](#footnote-ref-66)
67. .معجم المصطلحات البلاغیه وتطورها/ص۱۱۴ [↑](#footnote-ref-67)
68. .هود/۱۷ [↑](#footnote-ref-68)
69. .طبرسی،مجمع البیان /ج۵،ص۱۹۲، تفسیرابوالفتوح رازی،ج۱۰،ص۲۴۶ [↑](#footnote-ref-69)
70. .زمر/۲۱ [↑](#footnote-ref-70)
71. .بقره/۳۳ [↑](#footnote-ref-71)
72. . اعراب القرآن،ج ۲،ص ۴۸ [↑](#footnote-ref-72)
73. .بقره/ ۲۴۶ [↑](#footnote-ref-73)
74. . تفسیر اثنا عشری، ج اول،ص۴۳۷-۴۳۸، [↑](#footnote-ref-74)
75. .انعام/۵۰ [↑](#footnote-ref-75)
76. .اعراب القرآن،ج۳،ص۱۱۹ [↑](#footnote-ref-76)
77. . هود/۸۷ [↑](#footnote-ref-77)
78. .الکشاف فی تفسیرالقرآن،ج۱،ص۱۴۸ [↑](#footnote-ref-78)
79. .انعام/۱۴۸ [↑](#footnote-ref-79)
80. .تفسیر اثنا عشری،ج۳،ص۳۹۸ [↑](#footnote-ref-80)
81. . یونس/۴۸ [↑](#footnote-ref-81)
82. .اسراء/۵۱ [↑](#footnote-ref-82)
83. .بقره/۲۶ [↑](#footnote-ref-83)
84. .آل عمران/۳۷ [↑](#footnote-ref-84)
85. . ج۱،ص ۳۵۸ [↑](#footnote-ref-85)
86. . مجمع البیان ،ج ۱،ص۷۴۳ [↑](#footnote-ref-86)
87. .تفسیر الخازن،ج ۱،ص۲۹۰ [↑](#footnote-ref-87)
88. .پرتوی از قرآن،ج ۳،ص۱۲۳ [↑](#footnote-ref-88)
89. .کنز الدقائق ،ج ۳،ص۸۹ [↑](#footnote-ref-89)
90. .تفسیر صافی ،ج ۱،ص۳۳۵ [↑](#footnote-ref-90)
91. . منهج الصادقین،ج ۱،ص۲۲۲ [↑](#footnote-ref-91)